

صاحب امتیاز
و مدیر مسئول
دکتر اسمعیل
اردلان.

کوشش نامه کوشان

بهیچ حزب -
دسته یا جمعیتی
بستگی ندارد

سال اول - شماره ۳۸

۲ شنبه ۱۹ آذر ۱۳۲۴

تک شماره ۴ ریال

دقایق سخت را با مسامحه نباید گذرانید

بطور مشاور راهنمایی هائی بنمایند آن حد مقام و دعوی بزرگی را کنار گذاشته و آمده و کمک کرده و مشکلی را از پیش برداشته قطعا محبوبتر خواهند شد زیرا صفت جوانمردی و قداکاری هم سایر صفات ایشان اضافه خواهد شد.

و با آقای موشن الملك اگر در این روزهای سیه بعضی آمده در این شورا شرکت کردند و نظر های خود را اعلام داشتند و با کمال جدیت اجرای تصویبات متعده را از دولت خواستند و اگر مسافرتی هم به خارج از مملکت لازم باشد قبول نمایند که کردند قطعا بیش از آنچه قضا هستند مورد علاقه و اطمینان مردم قرار خواهند گرفت.

صحیح نیست اینکه میگویند نمی شود کار کرد نسیکذارتند کار بشود هر شمس خوشنامی اگر مسئولیتی قبول کرد پس از اندک مدتی متضخ خواهد شد و با بافتضاضی حیثیت خود را از دست خواهد داد.

کدام شخصی آمد و کاری در دست گرفت خوب هم کار کرد و متضخ شد آنکسی که میاید و با بدنامی می رود برای این است که پادزدی میکند یا خیانت میکند با از روی لجباعت کارهای غلط میکند وقتی که صحیح هم میدهند روی خودخواهی نه تنها عمل غلط خود را اصلاح نمیکنند بلکه آنرا خراب تر میکنند. بنابراین اگر شخصی مورد انتقاد قرار گیرد و با اعمال او در صنعت او روزنامه ها منکس شود مقصود او است و متضخ کننده اعمال او است.

اگر وزیر آمد و در روزهای اول وزارتش فلان نزدیک خود را که صلاحیت ندارد بکاری گماشت البته باید سوء نظر او و تبیین و خرابکاریش را گفت و تند کرد اما اگر آن وزیر مثلا سر پا برادر شایسته ای داشت و بکاری که متاسب و درخور اطلاعات اوست گماشت جای ایراد نیست و هر قدر هم مفرضین بخواهند این موضوع را بداء حمله و هو و جنجال قرار دهند کوچکترین لطمه ای بحیثیت یا شخصیت او وارد نخواهد آمد.

حال قرض میکنیم عده ای مرض هم باشند و بی جهت باین و آن بپزند و در سدد بدنام کردن اشخاص خوشنام باشند برای این که میدان همیشه بدست بناسر کران باشد در چنین حالی هم باید موقفت را در نظر گرفت.

در موقتی که هرج و مرج بعد اعلی در مملکت حکمفرما باشد در موقتی که کشور از هر طرف مورد تهدید است و در موقتی که آیه ما دچار خطر اضطرار و نا بود است آیا در چنین موقتی باید بیم داشت از اینکه فلان بدکومی خواهد کرد و با ناسزا خواهد گفت؟

آیا بفرض لجام گسیختگی کامل، قبول چند فحش و ناسزا بهتر است یا قبول شك از میان رفتن ملت و مملکت؟

آیا در چنین وضعیتی گوشه گیری و در خانه نشستن حفظ حیثیت را خواهد کرد یا در میدان وارد شدن و با خاستن مبارزه کردن؟

امروز در نتیجه منزوی شدن ما حیا میدان بدست منافقان افتاده اوضاع خراب امروز مملکت ما نتیجه اعمال آنهاست و هر قدر این میدان بدون معارض در دست آنها باشد خطر بزرگتر خواهد بود.

بقیه در صفحه

کرد کوشش هم فقط بحرف و تشکیل جلس و شورا نیست بلکه اول حسن نیت حقیقی و تصدیق بکار لازم است.

باید آن هائیکه امروز در این مملکت شهری بوطن برستی دارند و کسانی که روی وجهه ملی خود مهربوبیتی دارند امروز سرمشق شوند تاد بکران و آنها را که در درباری نامیدی و پلاس غوطه ورنه تکالی داده بیرونی ملی و قابل توجه بوجود آورده.

این مردان که رجال ما را تشکیل میدهند باید در این موقع باریک از خود گذشت نشان دهند خودخواهی - محافظه کاری - شهوت مقام - کناره گیری و امثال آن را کنار گذاشته مجدداً کمر خدمت بپندند.

امروز که هر کسی شغلی قبول میکند اول برای استفاده خود است و تا بجا بوظیفه و خدمت بمملکت و ملت در درجه دوم است اگر کسانی یافت شوند که نشان دهند کاری که بپند میگیرند اول برای مصالح مملکتی است و میپننند برای مصالح مملکتی حتی از کار با شغل یا منفعتی هم صرف نظر نمایند و کسانی را که شایسته تر هستند بآن کارها انتخاب کنند بااطمینان میتوان گفت اولین سنگ بنای اصلاحات گذارده شده و میتوان اطمینان داشت که مردم با نهایت جدیت و از خود گذشتگی از آنان پشتیبانی خواهند کرد و علاوه بر اینکه مقام دهن و مرتبتی ارجحند در جامعه خواهند داشت موثرترین خدمت را انجام داده اند.

مثلا اگر آقای حکیمی بداته که کابینه ایشان کاری نمیتواند انجام دهد و قبل از آن که سروصدای مردم بلند شود خودشان این موضوع را اعلام دارند و کناره برونه بر شخصیت ایشان افزوده خواهد شد.

یا آقای قوام السلطنه که امروز هوا خواهان بسیاری دارند و عده زیادی معتقدند که زمامداری ایشان ممکن است موجب حل بسیاری از مشکلات باشد تشخیص داده که ممکن است وجود ایشان چه بطور رسمی در کابینه حکیمی لازم باشد و چه

میگویند آقای حکیمی در نظر دارند شورائی از رجال کشور تشکیل دهند تا بسکک آن راه حلی برای رفع مشکلات کنونی بدست آورده و در موضوع قضایای آذربایجان چاره جویی نمایند.

اگر چه شایسته بود این اقدام را آقای حکیمی در اوایل شروع بکار دولت خود بعمل میآوردند و بهتر بود قبل از هرافندامی در مورد ارسال یادداشت هارا جمع با آذربایجان از رجال میجرب و وطن پرست کشور کسک فکری میگرفتند و با دقت و پیش بینی کامل اقدام میکردند ولی فکر تشکیل شورائی از رجال با کدامن و مورد اعتماد مردم حتی در این موقع که مشکلات مملکتی زیاد و اوضاع رو بوغامت گذشته فکر بسیار نیکویی است و از آن میتوان نتیجه خوب گرفت مشروط بر اینکه هر چه زودتر عمل شود غیر از صورت ظاهر و اطلاق وقت و صحبت و مشاخره روح وحدت و بکانهگی و خدمت بمملکت اساس آن را تشکیل دهد.

در قبایل زمزمه هائی که این روزها در افواه است که میگویند بین وزرای کابینه اختلافاتی موجود است و خود این اختلافات حرانی بوجود آورده شایسته است در اسرع وقت وضع دولت روشن شود و افشا رجال ما باید بدون هیچگونه نظر خاص و بدون حب و بغضی موضوع این اختلافات را اگر موجود است حل کنند زیرا تا دولت خود آماده برای کار نباشد اگر کار را هم بداند قادر به پیودن آن نخواهد بود.

و تنبیه اختلاف بین وزراء موجود باشد دستجات آنان اتصالا مشغول کارشکنی و تیرگی روابط و دامن زدن آتش اختلاف بوده و کار و وقت دولت صرف مناقشات خصوصی میگردد و در این گیر و دار مملکت با آتش خصوصیات خواهد سوخت.

و خاتم اوضاع کنونی بر هیچ کس پوشیده نیست و کسی را نمیتوان یافت که از این اوضاع که در نتیجه لایبمی و تمس خودمان فراهم شده متاثر باشد ولی تاثر کافی نیست باید در رفع مشکلات کوشش

اوضاع آذربایجان

آقای بیات پس از ورود بشیریز و مطالعات چندروزه بیابهای صادر نموده اعلام داشته که برای شروع اصلاحات حاضرند با نمایندگان احزاب و عموم طبقات وارد مذاکره شده و بموجب اختیار اینکه دارند برای اجرای اصلاحات همی و رفع نگرانیها و اضطراب با نهایت صیبت خدمتگزاری نماینده چون اشخاص مقدسه جو در مقام استفاده از موقع برآمده دست به عملیات مخالف انتظامات زده اند برای حفظ انتظامات همی دستورات لازم بنا مورین داده اند وای برار اطلاعات واسله نمایندگان حزب دمکرات برای مذاکره با آقای استانداز حاضر شده اند

از جمله وقایع تاسف آورده که گذشت قتل روسای شهربانی - دارائی دادگاه و یک نفر باز پرس و دو نفر مالک در مرید بوده رئیس ژاندارمری محل نیز مجروح گردیده است

در سراب - قتل ستوان یکم شبانی و ستوان یکم ناملی و عده ای ژاندارم بود که از طرف حزب دمکرات دستگیر و به مسلسل بسته شده اند

از دیل - ژاندارم های اطراف اردبیل خود را به پادگان آنجا رسانیده اطراف سر بازخانه سنگر بندی شده تیر یز - رئیس شهربانی در خیابان بوسیله پلیس کشته شده

رضائیه - فشنگهای تانی که بر ضد اربابهای جنگی بکار میرود در دست مردم دیده شده است

هراته - پادگان شهرت در مراقبت اعنای حزب دمکرات میباشد

مها باد - در شب سی آبان ماه دستور داده شده که چراغ های شهر خاموش شود و از ساعت ده شب کسی حق عبور و مرور ندارد در همان ساعت ۲۴ هفت دستگاه کامیون ملو از اسلحه شهر وارد ردهان

شبه تقسیم کردید

بروسای ا کرد و ایلات شفاها از طرف بعضی مقامات دستور داده شده که هر کدام سه نفر نماینده برای اخذ دستور و مذاکره بفرستند آنها بیکه خودداری کرده بودند و نماینده نفرستادند مورد مواخذه قرار گرفته و حتی نماینده هم بنام آنها انتخاب و بعلل اعزام شده است

اهسر - ستفیش شبانه روزانه منزل متفقدین محل ادامه دارد

انحلال اداره باربری

بوجوب ابلاغ وزارت دارائی اداره باربری منحل و امور فروش کامیونهای دولتی و تعین حساب هار و عارت در آسیم شاسی هازیر نظریهت تصفیه مور اقتصادی قرار گرفت

رئیس اداره تبلیغات

آقای ابوالقاسم کجالی زاده بریاست اداره تبلیغات منصوب شده اند

حرکت بشوری

آقای دکتر علی اکبر سیاسی رئیس دانشگاه تهران و آقای دکتر کشاورز و آقای صادق هدایت که برای شرکت در هفتین سال تاسیس دانشگاه آبی وسطی خاورمیانه تاشکند دعوت شده بودند حرکت کردند

نوام شدن اداره های اقتصادی و دارائی

در هفته گذشته وزارت دارائی برای نوام شدن سازمان اقتصادی با اداره دارائی شهرستان هارواستاهای اقدام نموده دستورات مقتضی بپس یک از نقاط کشور صادر شده است احکام روسای دارائی و اقتصادی هم صادر گردیده که ادارات اقتصادی را تحویل گرفته ضمیمه دارائی نمایند

تغییرات در شهرداری

آقای فریمان عده ای از کارمندان حساس شهرداری را از کارهای خود منقل عده ای را منتظر خدمت و بخدمت عده دیگر خانه داده اند آقایان شهتوز و پیش شهرداری منتقل گردیده اند

اخبار سنج

۱- روز ۲۴/۹/۱۰ جشن افتتاح - دانشسرای دختران در سنج پاشد که تا حدی موجب امیدواری برد ولی عده ای از علاقمندان منتقدند که اگر اصلاحی در وضع معلمین و مدیران دبیرستان ها شود بسیار مفید است

زیرا بقرار معلوم تعداد دبیران - دبیرستانهای سنج کافی نیست شاید چند نفری از سانیکه فلا بتدیس دبیرستان ها مشغول چندان صلاحیت علمی نداشته باشد

توجه اداره فرهنگ کردستان و وزارت فرهنگ باین نکته قابل توجه جلب میگردد ۲- روز ۲۴/۸/۱۰ بنظور کتایش نایبشگاه ۳ دوائی ملل اتحاد جماهیر شوروی در سنج از طرف آقای فرماندار کردستان و آقای کنول جماهیر شوروی مقیم کرمانشاه دعوتی در دبیرستان شاهپور پسر آمده که بانظهای آقایان فرماندار و کنول افتتاح یات

۳- آقایان حسن بیگ رزایی - عبدالله بیگ قلعه چی - معسود بیگ کر آبی با اخذ تأمین بعمل های خود عودت نمودند ۴- توزیع قماش موجب عدم وضایت مردم است بطوریکه بعه زبندی قماش ارسیده است

اخبار سقز

۱- پادگان سقز چندبست تقویت شده و سرهنگ پیاده داراب مختاری بفرماندهی پادگان منصوب شده اند

۲- وضع قله سقز از هنگام ورود رئیس قله جدید و و بیهود گذاشته است

۳- زارعی و فرووشه کلان توتون از لحاظ عدم دریافت بهاء آن ناراضی و تکرارند ماموری هم که برای آوردن پول بهراغه رفته بود بدون اخذ شیعه مراجعت نموده است

۴- شهرداری نسبت تنظیمات شهر قدری جدید بفرج داده است

التهای آسان

از آنجاییکه عمده ای از خوانندگان تقاضای ارسال کتاب الهای آسان نموده اند تعدادی از کتاب نامه برده بوسیله نمایندگان های نامه کوهستان ارسال گردیده و علاقمندان با پرداخت بهاء آن میتواند کتاب را در دسترس داشته باشد فعلا بستنج - سفر و بسوکان تعداد کافی فرستاده شده است

تعطیل

بعثت تعطیل چ پخانه در روزهای غنچه و یکشنبه هفته آیه بمناسبت تصادق با ایام عزاداری روز دوشنبه آینده روزنامه کوهستان منتشر نخواهد شد

شورای وزیران خارجه سه دولت روز ۲۴ آذر در مسکو تشکیل جلسه خواهند داد بنظور مهم این کفرانس عبارت خواهد بود از:

۱- حل اختلافات موجوده میان سه دولت معظم

۲- تنظیم طرحی برای اینکه هر سه دولت از کشفیات مربوطه بشیروی اتم بهره مند گردند

۳- تنظیم طرح معاہدات صلح

از کرگند مدت دو ماه است نفت

کیاب شده و هر حلب آن به ۶۰۰ ریال فروخته میشود

وقایع آرات

۳۴

ملت رشید کرد این سیاست جمهوری ترکیه را از اول درک نموده بود که نوکری و بندگی را توانسته بود بخود هموار نموده و برای حفظ شرافت ملی و بدست آوردن آزادی خود هزارها قربانی داده امروز هم در پیشگاه محکمه عدالت آزاد بخواهان جشی که با خون های شهدای آزادی خود نوشته شده بدست مدافعین حقوق خود سپرده است

روزنامه ملت این موقعیت را که دولت ترکیه در سایه کک و مباحثت دولت شاهنشاهی ایران پس از چند سال خون ریزی توانسته بود بدست آورد آخرین جنبش های کرد برای استرداد حقوق مقصوبه ملی خود تصور نموده عکس گیری را که دواشتهایش در روی فلل آگری بزرگ و کوچک قرار گرفته کشیده روی سنگ این مزار نوشته کردستان خیالی در اینجا مدفون است غافل از اینکه فکر آزادی مانند یک سیلاب است که از زوچهای بیزار و زجر کشیده سرچشمه گرفته بندهالی که در جلوش ساخته میشود هر قدر هم محکم باشد عاقبت با فشار زیادی که از تراکم آب حاصل میشود ریخته هالی بافته بگردد به منهدم شده خرابی های جبران ناپذیری را فراهم خواهد ساخت

شرط نقل این است که با باز کردن جدول های مناسب از آن سیل های خراب کننده برای آبیاری و ازدیاد محصول استفاده نموده زمین هارا آباد کنند

انگاردند در اینجا در قبال آن سنگ مزار از خود عهیده ای اظهار نخواهد کرد آینده است که نشان خواهد داد آیا کردستان خیالی و یا حاکمیت ترکیه در کردستان خواهد بود که در آن مقبره بخواب ایلی خواهد رفت چیزی که مسلم است بعد از آن تاریخ آن تنهایی که روزنامه ملت مرده پنداشت در سینه آرات دفن نموده بود در نقاط دیگر کردستان ترکیه چند مرتبه تکانی بخود داده اظهار حیات کرده است

وقایع آرات پاپان یافت ولی در همه جا کوشش میشد باغحصار پرداخته شود و خلاصه ای از آنچه در این کوه تاریخی گذشته بود بنسظر خوانندگان برسد

اینک که خوانندگان محترم تاحدی بدهکاری های اکراد بسیاری بدست آوردن آزادی خود در ملی جنگهای آرات واقف شده اند اجازه میخواهم با احترام شهدای راه آزادی کرد که برای استخلاص ملت خود از شر خون واز قذای جان عزیز خود در بیخ نسل خود و بیعت جاودانی نایل شده اند در پیشگاه ارواح آن بزرگواران با نهایت احترام و تنظیم سر فرود آورده باز ماندهگان این ملت شیور و فدا کار را درود و تسلیت بفرستم

بلام آقای ملیان یونسالیسیه حقون

کرمانشاه متروک

۱۱-

قصر شیرین

۴-



در زمان پیشین حکام شهرستانهای سرحدی را مرزبان مینامیدند و به مرزبان های مهم تخت نقره و به مرزبان های حدود خورها تخت طلا میدانند.

از ایشرو معلوم میشود که در زمان باستان بولایات سرحدی اهمیت خاصی می دادند.

شهرستان قصر شیرین اگر چه از شهرستان های مهم مرزی است ولی مالاز اولیای دولت برای آن تخت نقره یا طلا توقع نداشتیم زیرا اگر کسی این روزها از اینگونه مطالب بگوید مرتعش می خوانند.

ولی از دولت آقای سکی می متوقعیم که بجای نقره و تخت طلا که منسوخ شده و قسمت فرهنگ و بهداشت و وجودی وضع اقتصادی و تجاری این شهرستان توجه عاجلی مرعی فرمایند همانند سنوات گذشته که از قند و شکر و قماش هم مردمان این ناحیه را محروم کنند و بجای آن روسای خان اقتصادی به دوسه نفر معلوم الحال ده دوازده هزار کوبن بدهند و بدین ترتیب بیش از بیست هزار نفر را در مضیقه بگذارند.

قصر شیرین تا بهر آن ۲۳۹ و تا پایتخت عراق عرب که شاعر در وصف آن میگوید: بنیاد خوش است لیکن از بهر کسی سکورا بر باد دل بود دست رسی با هم نفسی بسر؛ رد صر عریز - خایع نگذارد از جوانی نفسی در حدود ۱۶۰ کیلومتر فاصله دارد و فواصل از قصر شیرین تا تهران نیز مطابق جدول زیر است:

۱ - قصر شیرین به سرپل ذهاب - ۳۶ کیلومتر
 ۲ - سرپل ذهاب به کرند - ۴۸ کیلومتر
 ۳ - کرند به شاه آباد غرب - ۳۵ کیلومتر
 ۴ - شاه آباد غرب به کرمانشان - شاهان - ۶۰ کیلومتر
 ۵ - کرمانشان به بیستون - ۴۶ کیلومتر
 ۶ - بیستون به صحنه - ۳۶ کیلومتر
 ۷ - صحنه به کنگاور - ۴۰ کیلومتر
 ۸ - کنگاور به اسدآباد - ۴۰ کیلومتر
 ۹ - اسدآباد به همدان - ۵۱ کیلومتر
 ۱۰ - همدان به رزن - ۸۷ کیلومتر
 ۱۱ - رزن به اوج - ۳۴ کیلومتر

پی شیدان و تویانه

پشینیان گفته اند

- ۱ - سگ به لوقه ی صاحب مال به روهت سگ سرعت صاحبش میرود
- ۲ - بالی شکاوه قاچی هل نه به سنن دشتی شکسته پایش را کج میگیرند
- ۳ - گوشتی نه خواگوشتاری ناخووا گوشتش را میخورد آبگوشتش را نمیخورد
- ۴ - تی نور آرتنه بی نی له خهوا نشه آب بخواپ می بیند.
- ۵ - به در بزی خوتانه روانی به پانای خلته ابروانه ا درازی خودت را میگیری ا پهنای مردم را بنگری.
- ۶ - بزین بوشه وی چی که ی خوی خوش نه کا بز برای شب جای خود را مهیا میکنند.
- ۷ - ری بووار نه روا سگ نه وری رهگذر میکند سگ عرو می کند
- ۸ - تف به آسمان مه که نه که ورته سه و چاره ت تف با آسمان میانه از روی صورتت خواهد افتاد
- ۹ - وهک نیسک به و ره و پشتی بونی به ماشد هس پشت و رو ندارد
- ۱۰ - آردی باش له عالی ساحیبی در نه چیت آرد خوب از خانه صاحبش خارج میشود

و گوارا میشود) این آب مولد پیش نلغوشبهای سرپل است در این جالازم است توجه اولیای امور را جلب نسیم تا اقدام مجادله ای از تلفات جانی هزاران نفر ساکنین آن جلوگیری بعمل آید.

این بخش از دو نظر قابل اهمیت است یکی اینکه اراضی آن بسیار حاصلخیز است بطوریکه کاه دیده میشود که از زراعت دیم آن نفعی نمی برداشت میشود. در اینجا است که باید یادگفته لرگزین انگلیسی افتاد که میگوید: فرماتی مانند ایران به پیچوجه دلیل بر فقر و ضعف خاک آن ملک نیست.

ولی افسوس بواسطه عدم توجه دولت مردم از این زمین های زرخیز آنطوریکه باید و شاید استفاده نمیکنند و همین بلا استفاده ماندن این اراضی است که مردم این دیار را در دریای بدبختی و فلاکت غوطه و رساخته است.

۱ - بین النهرین - شامات - لبنان - هندوستان - فلسطین - مصر اتحاد جماهیر شوروی کشورهای نزدیک محسوب میشوند.

۲ - سرچشمه حلوان در ریز آب در ۱۹۰۰ متری واقع شده و در موقع فرود آمدن از کوههای زاگرس در فاصله چند کیلو متر قریب ۱۲۰۰ متر فرود می آید و جلگه علی کرده را مشروب کرده و از تنگه کوه بیشکان نیز میگذرد.

۳ - این مثل بیشباعت بندر آقای صالحی رئیس اقتصادی کرمانشاه نیست که بندر نداشتن کامیون از حمل قند و شکر و جای به آن سامان خودداری کرده است.

ازسندج

بقلم آقای عباس آزادپور

در پیرامون غله و نان

هنگی نیست که شاخص اقتصاد و صادرات کردستان غله میباشد و این هم برای مایک مسئله حیاتی و مسأله است مسئله ای نیست پیش پا افتاده و بی اهمیت که بتوان از جهت در آن صرف نظر نمود زیرا افلام فرستاده های ما در دنبال میزان و ارقام غله قرار میگیرند. بهمین نظر املاک مزروعی در کردستان واحد مقیاس ملکی است.

همیشه توجه با اداره غله و نان تابع تغییرات احتمالی دولت بوده است کما اینکه از ۱۳۱۴ بود اداره های بنام تثبیت نرخ غله شروع بکار نمود. این اداره که بیهای هرن گندم -

۳۰۰ ریال مازاد را جمع آوری میکرد روشی داشت که در آن غله چندان رسوخ نداشت ولی این روش رفته رفته تغییر کرد و کار بجائی رسید که مثلا در سال ۱۳۱۹ یکمک فرمانده لشکر وقت مالکین رادر اداره امنیه توفیق میکردند و حتی بر بعضی از مالکین بقدری مازاد تحویل میکردند که ناچار میبایست برای تامین آن از نواحی دیگر خریده تحویل دهند.

در سال ۱۳۲۱ احتیاج دولت بیشتر شده بود قیمت خرید را از تنی یک صد تومان به ۳۰۰ تومان بالا بردند و گبری بقدری شده بود که حتی مالکین و تولید کنندگان میبایست با انواع وسائل منشی خود تا بتوانند اجازه بگیرند مقدار مصرف خانوادگی خود را بشهر بیآورند.

خوب بظاهر دارم که در عهد رضان سال ۱۳۱۹ بود یکی از مالکین برای سرافطه چند خانه مراجعه کرد و چون از تهیه گندم مسابوس شد با دادن عدس بجای گندم مراسم مذهبی خود را اداء نمود.

سختگیری های جاهلانه پاره مامورین که بیشتر برای جلب استفاده خود از دستورات مرکز تغییر ها میکردند ناراضایی های عمومی و گویایی آذوقه را موجب شده بود بطوریکه حتی از ۶۰ کیلو مازاد هم صرف نظر نمیکردند و برای چند کیلو کسر تمهید منهد را بزندان شهر بانی اعزام میداشتند.

چه خوب بود در قبال اینهمه سخت گیری اتلا ادارات دستور دهنده بفکر روز مبادای زارع و مالک هم میبودند و وسائلی میندیشیدند که در از دیاد و تکثیر محصول موزون و مفید واقع میشد ولی متاسفانه باید گفت که در کارهای ملکیتی ما اینقسم پیش بینی ها و ممال اندیشی ها مرسوم و معمول نیست.

کار مامورین غله بجائی رسیده بود که دستورات اخیر برای بدست آوردن

شلی در این اداره حساس که با حیثیت مردم بازی میکرد و او طلبان سرودست میشکستند زیرا در قلیل مدتی اشخاص تامین آتیه کرده بار خود را خوب میبستند.

مبادله قند و شکر با گندم راه دیگری برای استفاده باز کرده بود گندم روزبه روز گران تر میشد دستزد نیز بهمین میزان اضافه میکشست بکرتیه فرخ دولتی تنزل گردید و هم از میان رفت ولی در دستزد تغییر حاصل نشد.

نتیجه این عمل را باید در اثرات آن در زندگی مالت و زارع جستجو کرد که آیا این اقدام دولت تشویقی برای آنها بود یا تنبیهی.

دستور انحلال شعبات غله رسید این هم فشار دیگری بود که نه برای مالک و نه برای زارع برای هیچ کدام قابل تحمل نبود چندی مردم با ناهایت زحمت و سختی در اجرای این دستور زنج و خسارت دیدند و با زحمت زیادی مختصری از مازاد تمهیدی خود را با بیبودن واهیهای دور وی حاصل تحویل دادند.

در مقابل اشکالاتیکه فراهم شده بود و تحویل مازاد را غیر مقصدور میباشند خوشبختانه اداره کل غله افتتاح مجدد بخش از آنها را دستور داده.

موضوع انضمام غله اسفند آباد به همدان بنوبه خود از مشکلات ایجاد شده و سیورد بود زیرا این بلوک که جزو لاینجری شهرستان سندج است و کلیه ادارات آن تابع شهرستان سندج است و مالکین و زارعین آن از هر حیث همیشه با سندج سر و کار دارند و حتی اغلب مالکین آن ساکن

سندج هستند بجهت از روی چه مصلحتی باید غله آن تابع همدان باشد و از این عمل چه فایده ای عاید دولت میگردد.

زارعی که در چند کیلو متری مرکز این بلوک مسکن دارد و مثلا یکبار گندم در آنجا باید تحویل دهد آیا شایسته است با بیبودن ۲۰ فرسخ برای دریافت وجه همدان برود.

در شهریکه نه بآن آشنائی دارد و نه کسی راهیشناسد آیا غیر از خسارت و اتلاف وقت و سرگردانی چیزی عایدش خواهد شد؟

آیا صدور دستور مجزا کردن این بلوک از کردستان و مراجعه مردم این بلوک به همدان جزا ذیت و آزار و تولید اشکال و دل سرد کردن زارع و مالک از زراعت نتیجه دیگری هم دور داشته است؟

ما اگر این تهمه ها و این اشکالاتی را که بدون مطالعه برای مردم فراهم شده و پس از تولید زحمت های زیاد بشکل اول

ده نگی گیتی ی نازه

مجله ده نگی گیتی ی نازه که از طرف اداره مطبوعات بریتانیای کبیر در بنیاد منتشر میشد از این پس بطور هفتگی و تحت نظر آقای حسین حزلی مکرر بانی انتشار خواهد یافت. این مجله که صاحب امتیاز آن آقای فسانق توفیق و مدیر مسئولش آقای محمد باغان است مجله ایست خواندنی ادبی و اجتماعی که بزبان کردی در بنیاد منتشر میگردد و بهیچ حزب بدسته و جمعیتی بستگی ندارد. در این مجله مقالات مفید و بسیار جالب توجه میتوان یافت مخصوصا قسمتهای ادبی و تاریخی آن روان بخش است مکانیات با این مجله بنام آقای حسین حزلی مکرر بانی و با آدرس بغداد صدوق الیرید ۱۸۵ میباشد.

جواب حق گو

آقای م. حکو نامه بیا نوشته و در آن اظهار داشته اند که بهم از سانور پست سفر مانع از این شده که نام حق گو خود را بنویسند ضمنا مقاله ای هم برای درج فرستاده اند که در آن فضا بد و در نسبت بیکی از روزنامه های هفتگی تهران که مورد نفرت ایشان است اعلام داشته تفاضا سوده اند آن را چاپ کنیم و یک قطعه از آن را شاهر شهید احمد خانی را هم برای درج فرستاده اند. چون نام و آدرس آقای م. حکو بهمین نبود نتوانستیم بتفصیل جواب بدهیم.

از آنجائیکه نامه و مقاله ارسالی ایشان از احساسات پاکتی حکایت میکرد لازم دانستیم چند کلمه ای در اینجا چاپ کنیم تا ایشان مطلع گردند.

۱- سانور پست سفر نسا بهال از طرف چند نفر از خواننده گمان به ما اطلاع داده شده در صد تحقیقات بیشتری در این موضوع و چگونگی آن هستیم انشاء الله این اشکال مرتفع خواهد شد.

۲- مقاله ارسالی کاملا با حقیقت مطابقت داشت از قتل میداد نام نوبهاری و قاتل حقیقی ما هم اطلاعاتی داریم و میدانم فرج نام یکمکه که شاید وجود خارجی هم نداشته باشد چرا قسم بقتل شده شاید روزی دادگاه سفر هم برده از روی حقیقت امر بردارد و گناهکار و مجرم واقعی معرفی گردد اما در باب درج مقاله ضرورتی نمی بیند زیرا خود مردم ارزش نوشتجات را قضاوت مینمایند و در نظر دولت هم خوب و بد آشکار است.

۳- اشعار ارسالی در شماره ۱۴ نامه کوهستان چاپ شده در صورتیکه آدرس خود را مرقوم دارید ممکن است یک شماره از آن برایشان ارسال گردد.

در آورده اند. در اینجا یاد آوری میکنیم فقط برای اینست که اداره کل غله در تصمیم هائیکه میخواهد اتخاذ کند جواب کار را در نظر گرفت آنگاه دستوری صادر کند بطوریکه وقتی دستوری صادر میشود از هر حیث عملی و مفید باشد نه اینکه نتیجه ای منکوس بدهد.

در چند شماره قبل نامه کوهستان جواب اداره غله و نان را جعبه با اقدامات آن اداره در مورد گزارشهای بازرسان اعزامی درج شده بود و تا حدی مردم را بحسن نیت اداری آن اداره متوجه ساخت ولی گویا اقدامات فقط منحصر بنه سفر بوده زیرا از موضوع ۳۶ تن ۳۰ تن سرگ های شیبات دهگان و حسین آباد و از تعقیب متخلفین اثری نیست و حتی از بازرسی های آقای مصودی هم که مدت چندین ماه مشغول بازرسی بود و از لایه شکایاتی که باباشان شده بودند و کوچکترین اثری مشهود نیست.

مردم انتظار دارند که اداره کل غله و نان در این موضوع ها هم نتیجه تصمیمات خود را با اطلاع عموم برسانند و با تعقیب متخلفین و مغتسلینیکه با کمال سر بلندی راست راه میروند و با در پست های خود بادامه همان عملیات متغولند یاد دیگر حسن نیت اداری آن اداره را بچردم نشان دهد.

مثلا با انتظار پاسخ و اقدام اداره کل غله از شرح و توضیح در مورد غله کردستان خود دار نبوده امیدواریم همان طور که با ناهایت حسن نیت متخلفین غله سفر تعقیب شدند متخلفین و مغتسلین کردستان هم کیفر داده شوند.

بقلم آقای محمد مردوخ (آیت الله کردستانی)

گرد و گردستان

-۳۷-

سنه اردلان

باسلام اردلان برای دفاع و جلو گیری او حرکت. در عمل بیوا ارتشگر هر دو طرف به پسر رسیده، سپاه اردلان با وجود قلت عدد در حمله اولی سپاه امامقلی خان را شکست میدهند جمعی مقتول و جمعی منارلو و بقیه روی بگریز نهاده توبخانه و غنیمه و خرگاه و مهمات امامقلی خان نصیب اردلان های دلار میگردد خود امامقلی خان با زحمت و تلاش زیاد جانی از میدان در برده بفراربان ملحق میشود حسامی خان والی اردلان پس از تقسیم غنائم. حکام کافی برای کرمانشاه و سفر و کلیسائی و کنگارو ملایر و بروجرد و آن نواحی مینماید نموده و اعزام میدارد خود با بگدنیا انتظار و میاهات به سنده در مراجعت مینماید سپس در ۱۳ محرم (۱۶۹۳) مهر علیخان بروجردی از نطاولات و تمدیات زندگی که قرب جوار داشته اند به حسامی خان شکایت نموده حسامی خان با سپاه اردلان بروجرد کوی و تادیب زندیه حرکت مینماید از آنطرف هم توشال کریم (کریمخان زنده) و شیخ علی خان و اسکندر خان. با سپاهی ایوه جلو آمده دو ملایر هردو سپاه بهم میرسند تا آنجکه درگیر میشوند پس از کشتن و کوشش زیاد لشکر زندیه شکست فاحشی خورده (۳۶) نفر از معارف زندیه به با (۱۸۰) نفر از سپاهسپان مقتول و باقی فرار میکنند پس از این فتح حسن علی خان بنزل مهر علیخان رفته او را بروجردی و بروجردی مضافات مساط و حکمران میسازد و خود بنده در مراجعت میکند سپس در اواخر همین سال سلیم پاشا از طرف دولت آل عثمان به حکومت بابان نامزد شده سلیمان پاشا بر عری او که معزول گشته بود. پناهنده به حسامی خان میگردد و مدتی در کردستان متوقف میشود سلیم پاشا در تعقیب سلیمان پاشا کافاتی به حسن علیخان مینویسد که سلیمان پاشا را تسلیم نماید. حسامی خان جواب باس میدهد تا چار سلیم پاشا قضیه را بوزیر بغداد (کلیا) اطلاع میدهد وزیر هم نامه مصحوب بکنفر از اعانم بغداد به حسن علیخان مینویسد و در آخر نامه تذکر میدهد که اگر از تسلیم سلیمان پاشا خودداری نماید رشته مودت کسبته و کار بجای خواهد کشید حسامیخان وقتی بنهید نامه نکداشت فرستاده را مایوسانه عودت میدهد و حل قضیه را حواله بیدان رزم مینماید. وزیر از این حرکت رنجیده قضیه رایاب عالی اطلاع میدهد بر حسب امر کپا با اتفاق عشایر اعراب و بیگی چری وحتم آقاسی (حاکم موصل) و عثمان پاشای حکم کرمی و قوج پاشای حاکم حریر که متجاوزان بیست هزار نفر بوده اند بکام و امداد سلیم پاشا آمده و بکردستان حرکت میکنند. و در نزدیکی سرحد یاز برای اتمام حجة سلیم پاشا فرهاد خان و پسر خود را نزد حسامی خان میفرستد حسامی خان که با ده هزار سوار پیاده حاضر مقابله شده. در رسیدن فرهاد خان مجلس مشاوره تشکیل میدهد شیخ و سیم مردوخ پسر شیخ احمد علامه و ملا مصطفی شیخ الاسلام. و شیخ جمال الدین خطیب (اعلیه مؤلف) و ابراهیم و کبیل و شردو خان خاف احمد خان. و جعفر سلطان و سایر امراء کردستان بواسطه کثرت جمعیت سلیم پاشا صلاح کار را در اصلاح مبینه. ملا حسین (جد ملا عباس شیخ الاسلام) و عبدالله سلطان براز (داماد حسامی خان) و رأی بچنگ میدهند. و اصلاح را تشک ایلیت میدانند. که انار و لالامار. خود حسامی خان هم بلا حظه پناهندگی سلیمان پاشا تابع اقلیت میشود و فرهاد خان را مطابق نتیجه شور و تصمیم رأی اقلیت عودت میدهد سلیم خان پاشا پس از مراجعت فرهاد خان و باس از اصلاح. با اتفاق سر و سکر و پاشایان حرکت میکند. از اینطرف هم حسامیخان با اتفاق معمد امین خان حرکت کرده هر دو سپاه در جلگه مریوان بهم میرسند. و نالره چنگ با نهایت شدت درگیر میشوند پس از شش ساعت چنگ و قتل و کشتار بیقر اردلان و از گون شده. سپاه کردستان شکست میخورد و حسامیخان رو به سنده در مراجعت میکند. سلیمان پاشا که مسبب انوائمه بود و با شکست خود فرار مینماید مقارن رسیدن حسامیخان به سنده خبر میرسد که کپا با اردو بجانب شهر میآید.

اثر طبع ووردی

من چیم

نه شیم ملام نه خانه دلم
نه حاجی و سونق و سوردار و گورم
نه خرمیت چو وزیر ده ستم همه به
حاشا له مانه که م به جاری
که ولیم که برسن روی جی برا
لاویکی دل سوز لاویکی نه ربک
باو کوو با برم سکوردی نه بیژن
خویش آوی نه و زبانم هر ره و
نه کار به ده ستم نه خاوه ن پارم
له م که سانه مزه بوئن همه موی
له م که سانه مانور نه سیرن
به دس خود نیمه یلم که واته
بوئه وان بی هوش بی رنگ و مواتم
ته که ریکریم نه بوئه واته
دمردی هیوار و کبابی دزائم
سه زنا که له ز بر سه زنا که له زبو
دوزمنی مه و جان درو و شه و چراغ
چونکه که مانه هیچ دادم ناده ن
هره له به ره و شه دهره ختم بوئان
دوستی که در دارو آشتای خولام
هاوری زبل جی جولاور نه راش
ایش که روو نو که زبانی منن
کرمانج و مرمانج لام خوشه بوئین
که ولیم که برسن بوئین و هابه
چونکه هر که له له سه دانه وه
له نار و ولستان هر ره واته هه ن
دوله مه تدمان له سه دایه که
ده لاله کوی و گوومه اوله کی
ملتی بی روز هه زاری به وزه
کای مردو بی ده وه نه دندارو
که لیکیان پنیان نای ره فی جو
هه زاری بگا وولات سه ره به
که ره زاری بی توی آزادی
که ره زار نه بام نه خوبند و اربوم
که ره زار نه بام نه یوم به هیچ
نه هوشم له بوئه سوزی هه له به ست

منی که باند دایکی هه زاری
بوچ نه کی نه و بخیم نه زانم

کوبیحو

نه خرمی آغا و به کوو میرانم
نه ته و لیامو و نه که سی وانم
نه زبک خانم نه شاو و سولتانی
نه ته وان له من نه من له وانم
نه لیم رولیکی که لی کوردانم
لاویکی هه زار بی ده ستو و شانم
دانستوی خاککی خود کوردستانم
خاکبکی دولوو گردو و شپوانم
به شکور هه زار وو له هه زار انم
بوئی وه که وان چکه ر بریانم
بوئی پاوه وه کی ایسانم
هه ره لای واته وه بی ویرانم
له ناری ته وان له نگه زمانم
ته که ربنانم له ده ردی وانم
له به ریشانی وان به ریشانم
دوژنی مالو و ملحکرو شه رمانم
دوژنی که وه ره لوه اووه درانم
دیلی بیگانه، دیلی که ورتانم
ایش که روو نو که ره زور ره زانم
خرمی جوتیار وو هه م سه پانام
برادر برای سه پان گاوام
ده سه له ناووده ستی باخچه وانانم
به میرو آغا وو به گیان له زانم
بوچ هه نه ستاوومه جیور به وانم
له هه زارانه ته بی بی زانم
جی به هه بو به هه نه لالانم
جی له بو بیکه م به جی برانم
ایش بوچ ته که ن برسی زمانم
ملتی مردو باش باش ته زانم
هه ندی له هه ردن من آسانم
که جی من تیری پلاو ونانم
بوئی به زاره دلو و زانم
هه موی آلتونه ده روده شانم
ته م که بو میرو هوشی جوانم
بوئی سو به ری سه ره زار انم
بوئی تاده مرم خولامی وانم

درود اردوی روم بشهرم شریک
جنایات بلکه فروزنده آتش فتنه و نساد
میشود و هکام مراجعت اردوی روم. او
هم با اتباع خود بهل دوا سر رفته در
قریه (الک) قلعه مستحکم بنا نهاده.
پلنگان و بیلوار و روانسرو هم بتصرف خود
در آورده. بنای مطمئن و استقلال مسکندارد
از انجا بهم نامه بنو شدال کریم (کریمخان
زنده) و شیخ علی خان زنده مینویسد.
که حسامی خان در نهایت ضعف و ذلت
است. اگر خیال انقام گذشته را دارید حالا
موقع است

حسامی خان بیست بیلان لریخته
اردوی کپا و پاشایان وارد شهر میشوند.
و در مدت سزده روز توقف کردستان کایه
هنسی دارائی اهالی را غارت و ناموس
مسیحی و یهودی را بیاد میدهند غالب
خانواده های مقبول و ثروتمند را هم -
کوچانیده سلیمانیه و کوی و حریر میفرستند
پس از رفتن اردوی روم باوطلان خود
حسامی خان بشهر مراجعت نموده. شروع
بتمجیرات و تجدید آبادی و خرابیهای شهر
میکند -

ابراهیم بیگو کیل هم چون در بوجوه
چنگ با اتباع خود بار دوی سلیم پاشا ملحق شده
بودو شکست اردوی کردستان را اوباعت
بود

بقام آقای محمد امین هوشمند نماینده نامه کوهستان

سفر کجاست و مردم آن چگونه اند ؟

همه ماران و موران لانه دبرند
من بیچاره را ویرانه سه ...

(بابا طاهر هریان)

خواننده معتمد

سطور پایین اسما باید شرح وضعیت جغرافیای طبیعی یک شهر مرزی در دست وا در نظر افراد ذی علاقه به جغرافیای کردستان و آبادی و عمران آن روشن کند ولی ضمن تشریح وضعیت جغرافیای و طبیعی یک شهر مهم مرزی بطور پائین قطره های اشک جوانی است که از راه شامه برآمده و سبکس بر حال زار یک مشت مردم متنبه بدم مرزی ، از بدم خون بار فرو ریخته شده .

ناله های یک فرد سقزی حساس است که در میان وضعیت فلاکت یارزاد گام عزیز خود از دل دافدار بر کشیده و برای جنب توجه اولیای امور بر صحنه کافه آ آورده است :

آقای مدیر نامه کوهستان افراد حساس شهر (سقز) از اینکه بی مضایقه مضاعف نامه وزین کوهستان را برای درج شکایات و درد دلها و انعکاس ناله های آنها و بالتبع بنظور چاب نظرو توجه مصادر امور ؛ در اختیار شان گذاشته اید ، بی اندازه از جناب عالی سپاسگذار و شکر گذارند . . .

در مرکز نوآسی کردستان باختر ایران ؛ در دامنه دو تپه نسبتا سر اشیب ، شهری با مناظر زیبای طبیعی واقع شده که (سقز) نام دارد که در حدود دوازده هزار نفر جمعیت نسبی شهر را تشکیل میدهد :

کوهپای نسبتا مرتفع «تپ مالان» و «تله کانی کبود» و کوهپای اطراف «جنت دره» و «کهریز» دره شهر را بشکل دایره بزرگی در آورده است . رودخانه (سقز) از دامنه تپه جنوبی شهر در جریان است .

در پاییز و زمستان آب این رودخانه بگانه آب مشروب شهر است ولی در تابستان آب این رودخانه خشک میشود ناچار آب مشروب اهالی شهر از چشمه ها و قنوات متعدد کنار رودخانه تامین میشود .

مناظر زیبای طبیعی در فصل بهار ، بطرز بسیار جالب و دلچسبی در این شهر جلوه میکند و صفا و گرمی شهر سقز در فصل بهار دست سگمی از زیباترین نقاط ایران نداد .

هریان حوادث عجیب اخیر از شهر بود ۲۰ بیست اهالی آنجا را مردمی آفرده و ملول بار آورده و تاکنون بجدا کمال از نست انظام و آزادی برخوردار نشده و حتی از آزادی اسبی و پوشالی که در سایر شهرهای ایران دیده میشود در این شهر کوچکترین رخه نگرده و اکنون هم

فشار طاقت فرسای دوره دیکتاتوری در مواقع

از و من نسبت بکوچکترین امر جزئی اجراء میشود و امنیت و آسایش قلمی شهر و اطراف آن تا اندازه قابل تقدیر است . از لحاظ موقعیت نظامی و لشکر کشی و امنیت داخلی کردستان در درجه اول اهمیت است و این امر ایجاب میکند که باید در عمران و آبادی این شهر و ترجه قلوب جریحه دار اهالی صبور آن اقدامات جدی و اهتمام وافری بشود ولی با کمال تأسف این شهر مرزی که اهالی میهن پرست آن تاکنون چندین بار بجرم دولتخواهی در حوادث اخیر غارت کردستان از هستر ساقط و نابود شده اند روز بروز رو بفراری میروند ، صلح جو و آسایش خواه هستند و حکومتی را که امنیت و آسایش آنها را حفظ کند از جان و دل بپرستند و ایران دوستی آنها هم در هنگام حملات باروای عناصر آشوب طلب و همداهای نوآوری دولتی بکرات ثابت شده و تلگرافی که در سال ۱۳۲۹ سر لشکر شاه یعنی در وضعیت اهالی سقز و احساسات دولتخواهی آنها با امیر حضرت هماهنگی مخابره کرده است ، مویده اظهارات نویسنده میباشد .

خرای و بدی راههای ارتباطی آن ، دوری و بعد مسافت آن از مرکز کشور اسم سقز را از خاطر زانامه داران مرکزی محو نموده و اگر بر اثر فریاد و استغاثه و شکایت مظلومی ؛ دولت متوجه وضعیت این شهر گردد ، دستهای مرموز و ناپاکی که همواره در بیچارگی و غنای این ملت که گاهی جز دولتخواهی ؛ ندارند ، می گویند ، از آستین قیب سر بدر میکنند و آن روز تله کراف شکایات اطفال حق مظلوم بایگانی (۱) می افتد و االی قطعا دولت بدمیده احترام با اهالی باختری ایران میشود و در رسیدگی بشکایات و مراجعات آنها سعی است چنانچه در سال گذشته بر اثر شکایات متعدد اهالی و شرح بریشانی خود احتضار سرباز را در این مناطق بیکسال بتوق و مهلت انداخت ؛

برای اثبات ادعاهای خود و اینکه نقشی را که دستهای ناپاک بازی میکنند در وضعیت اهالی شهر بسیار موثر است اینک یک سند قطعی ارائه میدهم . در سال ۱۳۲۳ بر اثر تقاضای اهالی بسیار اهالی پس از مدتها با هزار لیت و لعل آخر الامر در تصویب نامه مورخه ۲۳/۹/۵ هیئت وزیران بخش سقز به (شهرستان سقز) تبدیل شده . این تصویب نامه همانوقت بگوش مردم سقز رسید و بانها بیت شرف و سپاس گذاری از مرامح دولت ، موضوع هریان هادی افتاد ، چندی گذشت باز هم بتحریریک

از کردند

تسلیت

با کمال تأسف در گذشت شاد روان حاج دکتر تئیبی شایگان را به بازماندهگان آن مرحوم مخصوصا آقای دکتر ابراهیم شایگان تسلیت عرض مینمایم . از طرف اهالی درنده - امامتلی بوشهاهی - از طرف اهالی شوا - فتح الله آقاییگی - از طرف اهالی زرده - مرزبیلادی

آگهی - مهر وراثت

بشاریخ ۱۳۲۸/۸/۱۶ - آقای حبیب الله نائی پوکالت از طرف آقاجان گلپبیان باستاد یک برگ گواهی شواری و رونوشت شناسنامه داد خواست بشماره ۲۴/۱۷۲۴ داده باشکده مرحوم یوسف گلپبیان دارنده شناسنامه شماره ۳۱۸۹ صادر از کاشان در تاریخ ۲۴/۵/۳۱ در طهران جایگاه همیشهگی خود وفات یافته و آقاجان آقاجان گلپبیان به شناسنامه شماره ۳۱۹۱ از کاشان و موسی گلپبیان به شناسنامه شماره ۳۶۷ از کاشان فرزندان ذکور و بانو سارحی گلپبیان به شناسنامه شماره ۳۱۹۴ از کاشان عیال دائمی متوفی و بانوان نوشافرین و ملکی جان و ایران دختران متوفی که در زمان حیات پدر بخواه شوهر رفته اند و دوشیزگان ثمر به شناسنامه شماره ۳۱۹۰ و خانم شناسنامه شماره ۱۵۵ و عزت شناسنامه شماره ۱۳۹۴ صادر از کاشان که هنوز شوهر اختیار نکرده اند وارث منحصرا میباشند پس از شنیدن گواهی گواهان مراتب ۳ نوبت متوالی باهی یکبار در روزنامه رسمی کشور شهنشاهی و روزنامه کوهستان آگهی میشود . با گذشتن مدت سه ماه از تاریخ نشر اولین آگهی و نبودن معترض بر حسب تقاضا اقدام خواهد شد و نیز اگر کسی وصیت نامه از متوفی دارد در ظرف مدت مزبور ابراز و الا هروصیت نامه بجز از رسمی و سری ابراز شود از درجه اعتبار ساقط خواهد بود .

رئیس شعبه ۴ دادگاه بخش طهران - مهدی شهره ۲ - ۳

همان دستهای مرموز میداتم بگوشم بچه عائی قلم سرخ بر شهرستان اسمی سقز کشیده شد و در نامه های رسمی ادارات دولتی هم کلمه شهرستان در باره سقز متروک گردید ، در این اواخر هم مجددا بشننامه دیگری دال بر تبدیل بعضی سقز شهرستان ، بداراره دارائی شهر رسیده این اداره ؛ اکنون سقز را شهرستان میداند ولی سایر ادارات دولتی دیگر بعلم آنکه بشننامه با آنها لاغ نشده سقز را بخش میداند و میگویند ؛ در این اواخر در یک کنشاهی که راجع بشرح حال تیسار امین که گویا از طرف مقامات ارتشی چاپ و نشر شده است بر کلمه سقز (نصبه) اطلاق شده بود .

باز اقلا صدر رحمت بگفن دوز قدیم ؛ که اینجا را «بخش» می خوانند . باید منتظر بود که از بدل توجه مقامات مسئول ؛ و جدیت خود اهالی سقز ، همانطور بانوس نزولی همچنانیکه از شهرستان بشهر و از شهر بقصه ؛ تبدیل شده و سایر قهرمانی کرده است کم کم از نصبه هم به (قریه) تبدیل شود ؛

مسئول کیست ؟ مسئول نداشتن بهداری صحیح ، بخشداری و شهرداری مرتب ، فرهنگ ، فرهنگی که اطفال بیچاره سقزی را از چنگال دیو مهبوب بیکاری و بیسوادی برهاند چه کس و چه مقامی است ؛ باید اذعان داشت که در درجه اول تقصیر با خود اهالی شهر است .

همشهریهای عزیزم ؛ بهمنوار گوی جز سرانگشت من نهاد کس اندر جهان پشت من ... اطمینان داشته باشید اینطرف راست است ؛ اگر شایه بکرتا مینا و بهبود وضعیت خود نباشید کسی بفرما شما نیست وضعیت خود را بی مضایقه و بیم بگوش اولیای امور برسانید و دولت را متوجه وضعیت خود سازید .

نامه ها و تلگرافات وارده

جناب آقای احمد حسین عدلوزارت
معلم کشاورزی

معلم ما برضی عالی میرساند بطوریکه خاطر شریف مستحضر است پزشکیان دام پزشکی در نتیجه تحصیلات تخصصی خود که علاوه بر معلومات علمی (با تحصیل در آموزشگاه دام پزشکی) دارا بودند قانون پزشکیان مصوب مرداد ۱۳۱۸ هم مزایای برای آنان قائل گردیده بدین معنی که بجای توقف چهار سال در هر پایه سه سال و اکثر ارتقاء پزشکیان تا پایه ششمین و تسویب گردیده (در صورتیکه کارمندان رسمی اداری طبق قانون مصوب شهریور ۱۳۱۱ اگر دارای گواهینامه ابتدایی بودند از پایه دو بالا تر نرفتند و اگر گواهی سیکل اول داشتند در پایه چهارم توقف میشدند و برای ارتقاء از پایه ما دونه پایه بالا تر هم چهار سال توقف مینمودند.

قانون پست تلگراف مصوبه ۳۲۲ قانون شهریور ۱۳۱۱ را تو و تمام کارمندان رسمی اداری را مشمول قانون استخدام کشوری ۱۲۹۹ قرار داد و بنا بر این تمام کارمندان رسمی اداری خواه دارای گواهی اداری و خواه دارای گواهی سیکل باشند در هر پایه ۲ - ۳ - ۴ - ۵ - ۶ - ۷ - ۸ - ۹ حق ارتقاء رند و این قانون دو سال است بوقع اجرا گذاشته شده و تمام کارمندان رسمی اداری از آن برخوردار هستند.

در برابر آن مزایای اولی پزشکیان که حتی در ماده سوم قانون پزشکیان داده شده بود میزان حقوق پایه بکرا که سیمد و بیست و یک برابر حقوق کارمندان اداری تعیین شده ترفی دهند و سایر مزایای مرسومه دو سال است که پزشکیان دام پزشکی از کارمندان اداری عقب افتاده و هنوز اولیای امور توجیبی برایش پزشکیان دارا در پزشکی کشور فرموده اند در صورتیکه از چهارده ماه قبل مرتباً تمام کشورهای پزشکیان مشغول تقدیم عرض حال بوده و استند های جلب توجه اولیای امور را مینمایند.

از آنجا که مقام وزارت سوابق مندی در وزارت کشاورزی داشته خاطر شریف حریتات مستحضر است از اینرو در مقام تسدیع مقام منبع وزارت متبوعه برامدو استدعا دارد عطف توجیبی برایش پزشکیان کشور مبدول فرموده مقرر فرمایند با گذرایین ماده واحده از مجلس اگر قائل شدن مزایای در برابر مزایای اولی برای پزشکیان مقدور نباشد اقلاً با کارمندان رسمی اداری در یک ردیف قرار گرفته و مانند آنها استفاده نمایند.

بنا بر این گوییم که پزشکیان دام پزشکی استان هم - جیبی - شکاری - اوری - زادی - زاده - باباموسوی - قبادی - مو اولی - رومش این - عالی میلانی - مهدی میلانی

از ستر

کل بخش کبیه مجلس کبیه آقای محیط کبیه کوهستان با اینکه ضمن تلگراف ۸/۱۱ مراتب دادخواهی خود را مورد عدم بخش شکر و جای عطیه ماه رمضان شهرتور مهربان با موجود بودن شکر جای مکنی انبار سفر مرسوم دانست متأسفانه نتیجه معکوس متنهی و شکایت حقه ما وسایل بدیختی ایجاد کم توجیبی اقتصادی منتهج بیشتر از پیش بخود متوجه ساخت زیرا دستور بخش سهیبه موقوفه کارمندان ادارات سفر اخیراً صادر اعطای شکر جای چهار ماهه اهالی را گمانگان منظور شخص تعطیل معلوم نیست تبعیض کارمندان پاساير اهالی در این موضوع چیست معلوم میشود علت مستدیده ستور اسما افراد ایرانی منظور ولی رسماً از مزایای مقرراتی متضمن مراسم اولیای کشور است محروم اندهنکام تحصیلات مشارالیه ولی موقع ترحمات دولت نایبده مصوب با عرض مراتب اهالی سفر بدل عظمت امر صدور اجاره بخش سهیبه موقوفه از آن مقام عالی تقاضا مینماید واجبی مجدد امین خادمی مهربان جلیل طاهری پیش افتد حجازی انصاری ارجنه احد کبران و توفی عارفیان اسکندری عزیز توذری سید محمد رحیمی یوسف سید فرج الله خلیلی حسین اخوان شافعی برادران ونوئی - معدود نصرالهی .

از تبریز

اداره کل بخش جناب آقای احمد مرتیب آقای فتوحی رو نوشت روزنامه کوهستان - بنظور بل توجه پاداش خدمت مقرر گردیده سالیانه دو تن قند به بنده اعطا شود تا سال ۲۱ در بافت و از آن موقع محروم پس ز تلاش و پادوی بی پایان با اینکه بومی ده ها تن قند و شکر به ستارین مختلف از ابار خارج میشود اقتصاد تبریز این عطیه را از بنده دریغ میدارد در این موقع که حالات شدید زمستانی حیات بنده و یککشت عائله فلاکت باردرو لایب غربت تهدید و بیگانه جان پناه فقط این عنایت دولت است و اینک با زحمت مروان بالاخره انصاف تبریز بشماره ۸۶۰۱/۵ موافقت کرده استدعا داریم مقرر فرمایید حواله صادر شود.

از سنندج

آقای حضرتی ضمن نامه از حسن مراتب و نوع پروری آقای دکترهاشخان و کبیل اظهار تشکر نموده و از اینکه ایشان با کمال دلسوزی و دامت ایساران بدیختی کرده و از مساعدت به بیساران می بذاعت خود داری سپکسته قدردانی نموده اند.

آقای مدیر محترم روزنامه کوهستان

عطف به تدرجات شماره ۳۷ - ۲۴/۹/۱۲ آن نامه ملن در مورد سرعت دو کامیون در نزدیکی همدان دستور تعقیب بگردان ژاندارمری همدان و هنگ مستقر ژاندارمری کردستان صادر گردید فرماینده ژاندارمری کل کشور - سررتیب - سروریناه

آقای

سید عبدالمجید مجد سجادی و کیل پایه یک

داد گستری

نشانی تلگرافی ویستی سنندج سجادی . برای قبول کلیه مراجعات اداری و قضائی (اعم از کیفری و حقوقی) در تمام مراحل حاضر است .

برای خوانندگان سنندج

در اطراف فماش و سوء استفاده هائیکه از آن شده و میشود اختیاری میرسد که چون هنوز بطور کامل جمع آوری نشده مورد اقدام نامه کوهستان قرار نکرده است از گسائیکه در این موضوع اطلاعات موثقی دارند تقاضا میکنیم مارا مستحضردارند تا با بدست آوردن اطلاعات صحیح بتوانیم این موضوع را مورد تعقیب قرار دهیم .

خوانندگان ارجمند باید بدانند که هراقا امی در راه اصلاح اوضاع و رفع فساد ادارات میشود فقط برای نگاه عمومی است بنا بر این هر کس در این اقدامات کمکمی بکنند و اطلاعات درستی بنا بدهد بوظیفه وجدانی خود عمل کرده است .

کشور

خانواده آزادپور از حضرت آقایان عظام و ذوات متحرمی که در فوت دوشیزه ناکام نصرالباوک آزاد پور بنظور تسلیت سرافراز فرموده اند بسیار سپاسگذار هستند .

جاس آزادپور

از سنندج

میکویند از خانه رشیدی نام انباردار جای بخش کردستان چند عمل دزدی گرفته شده و شخص نامبرده توفیق و رحمت تمنیب است . کوهستان - امیدوایم این موضوع اقلاً ماست مالی نشود .

هر هفته بنام و آدرس کلبه مشترکین روزنامه به پست داده میشود چون اداره روزنامه علاقمند است که توزیع حتی التعمیر مرتب باشد از مشترکین محترم تقاضا میشود در صورتیکه روزنامه هایشان نامرتب رسید بدارد روزنامه اطلاع دهند

محل اداره: خیابان پهلوی روبروی کوچه
مریضخانه وزیری تلفن ۸۵۴۹

کوهستان

بلام آقای صد امین مهاجر پور ازستدج

آیا خود را آزادی خواه مینامند؟

اکنون که پس از شش سال طوفان جنگ جهانی گریز ناپذیر و ناله و زاری های مجروحین و عذاران و پدران شکسته دل و کودکان پشیم در میان فودسریق و تل های خاکستر - و اماکن سوخته و ویران اروپا بگوش میرسد و جهانیان در هم جهان سوژ عزیزان از دست رفته خود سرشک خون میبارند دانشمندان و حکمای نوع پرور و پزشکان بسیاری های روح و اخلاق در کبر و دارین مصائب و آثار منحوس جنگ گرد هم آمده و در آفتاب انبیا جراحات هولناک این بیچاره و حشیانه پدرمان چاره جوئی پرداخته اند.

چون روی سخن ما با آزادی خواهان است بیش از این بفرموده نمی پردازیم.

بسیاری خود را آزادی خواه مینامند و از آزادی دم میزنند لیکن کردارشان با آزادی خواهی مخالف است برای روشن شدن بهتر است ببینیم معنی آزادی چیست؟

اگر برای آزادی هیچ اندازه معین نکنیم معنی آن اینست که آدم هر چه میخواهد بکند یا نکند و هیچکس جلو او را نگذرد این بالاترین درجه آزادیست که میتوان بدیده گرفت و ولی آیا میتوان همه افراد یک چنین آزادی را داد؟

سالم است افرادی که در یکجا با هم زندگی میکنند نمی توانند همگی این آزادی را داشته باشند زیرا اگر جنگ و کشتار نتیجه ای نخواهد داشت از این روست که ما ناچاریم آزادی خود را تا اندازه که بزرگان آزادی دیگران باشد محدود کنیم و دیگران نیز به همین اندازه آزادی خود را خود نگاهدارند و محدود ما تا جایی نکنند تا بتوان با هم زندگی کرد. آدمی چه زن و چه مرد همینکه برای خود جانی برگزید بیک جامعه کوچکی بنیاد میکند که باید پدید آوردن فرزندان و خانواده های بزرگ میشوند.

خانواده کوچکترین جامعه است که طبیعت بشری آن را بنیاد گذارده است اکنون لازم است درباره آزادی جامعه بزرگتری که از خانواده های بسیار بزرگ تشکیل شده گفتگو کنیم.

تمام این جامعه های بزرگ با هم جدائی دارند بدین معنی ما این جدائی خود بخود زبانی ندارد آنچه زبان من است برتر بیجوبی و فردی خواهی برخی از دولتهاست که بنام اینکه نژاد آنها و الاثر است ملت خود را بدست اندازی و زور گوئی بملتهای دیگر و امیدارند این هادعای بوج و بیجا است که آزمونان بملتهای خود نتانین کرده و موجب جنگ و خون ریزی میشوند این کی آزادی است؟

استقلال بملکت نیز همین است که آن ملت در کارهای خود آزاد باشد. آزادی و استقلال تقریباً یک معنی دارد میتوان گفت استقلال نتیجه آزادی است و آزادی برای بملکت بی استقلال تواند بود.

دولتهای بزرگ و مستقل باید آزادی را برای همه بخواهند نه تنها برای ملت خود افراد یا ملتهای دیگر آزادی خواهی را بخود میبندند و آزادی را تنها برای خود میخواهند راستی آزادیخوا نیستند و ما نمی توانیم باین عنوان ها، اگر چه با صد هیاهو همراه باشد آزادی خواه بدانیم.

آزادگان آزادی را برای همه ملتها میخواهند نه تنها برای خود ملت ایران هم یکی از ملتانی جهان است این ملت هم آزادی و استقلال میخواهد. این ملت هم حق دارد برای خود آزاد و مستقل زندگی کند. مادر میان دو دولت بسیار نیرومند زندگی میکنیم سکه هر دو آوازه آزادی خواهی خود را در سراسر جهان بلند ساخته و بنام فداکاری از آزادی و عدالت جنگها کرده و فداکاری نموده اند من خود باین موقعیت ویژه خوشبینم اما وقتی به وضع کشور خودمان می اندیشیم از دست خودمانیها نگران میشوم.

راستی نگرانی باید از افراد خودمان باشد. بی مایه آنسوس

از سر دشت

اظهار رضایت

نامه هائی چند از سر دشت حسن رفتار و سلوک آقای سرمنگ شجاعی را اعلام میدارد و از رفتار و هلیات آقای سرگرد کشاورز فرماده بادگان آفتاب نیز قدر دانی می نمایند.

از آقایان مری ناپنده دارائی و لطفی کارمند اداره آمار نیز اظهار علاقتندی شده است.

کوهستان - خوشترنم از اینکه در میان سیل حکایات مردم گاهگاهی هم قدر دانی هائی میرسد امیدواریم احساسات پاک مردم را مامورین بهتر تشخیص داده و با انجام وظیفه نمودن از روی صداقت

آقای مدیر محترم روزنامه کوهستان

عطف بصدور جات شماره ۳۷-۱۱۲ / ۲۴/۹ آن نامه ملی در مورد داد - خواست آقای ابراهیم خالدین دستور رسیدگی ببنگ مستقل ژانداومری کردستان صادر گردید خواهشمند است شاکی را راهنمایی فرمائید که ببنگ نامبرده مراجعه نماید.

فرماندار ژانداومری کل کشور سرتیب غسروینا

و حسن رفتار برای خود نام نیک کسب نمایند ما هم جز این آرزوی نداریم که همیشه نام مامورین صادق و پاکدامن و هلیات خوب آنان را در صفحات روزنامه منعکس کنیم

آگهی

صندوق پس انداز ملی مبلغ -/۰۰۰ر ۱۵۰۰۰ ریال (یکمیلیون و پانصد هزار ریال) بشنوان جایزه بطور قرعه بین دارندگان حساب پس انداز در سال جاری تقسیم مینماید.

جایزه اول - ۱۵۰۰۰۰ ریال (یکصد هزار ریال) است

کسانی که بخواهند از مزایای پس انداز استفاده و در قرعه کشی آن شرکت نمایند بایستی تا قبل از پایان سال در تهران بصندوق پس انداز ملی باجابه های شهری و در شهرها و شهرستانها به شعبه های نماینده گیهای بانک ملی ایران مراجعه و برای خود و فرزندان شان حساب پس انداز باز کنند.

۵-۱

دقایق سخت را با صامحه نباید گذرانید

بقیه از صفحه ۱

وقت فکر و مطالعه و استخاره نماند چشم مردم امروز به رجالی است که سابق وطن پرستی دارند. مردم انتظار دارند در این روزهای سخت آنان پیشنهاد شده باشد دیگر پرده ای از خدمات درخشان خود را امروز که مملکت محتاج است نشان دهند و خطرانی که امروز ما را تهدید میکند باینوی ایران و وطن پرستی از میان بردارند.

جای بسی تاسف و بیچارگی است بهر سو که مینگریم موجبات نگرانی را بدست خود فراهم شده ببینیم. ما باید در وقع این نگرانی های کوشیم.

مادر موقیت بسیار باریکی هستیم و باید بدانیم که اگر بکوش خود بیافزاییم و مردان و جوانان پاک و آزاده را بیک بطلبیم خواهیم توانست از این معاطرات که حیثیت و شرافت وهستی ما را تهدید میکند جلوگیری نماییم. ما باید بیشتر بکوشیم استقلال ایران را حفظ کنیم ما باید جدیت کنیم تا بتوانیم دست جنایتکاران را کوتاه کرده خود زمام کارهای کشور را بدست گیریم و این تود را از بسوی بردگی دهائی بخشیم.

پلی کلینیک تهران

پلی کلینیک تهران که دارای بخش های مختلفه پزشکی است تحت نظر آقایان دکتر عبدالعسین اردلان دکتر هوشنگ ظلی و دکتر جهانگیر جهاننادر اداره میشود.

آدرس تهران خیابان سوم اسفند اوقات پذیرائی صبح و عصر.